



# RahaiZan.Org

## سازمان رهایی زن

The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 96

سری سوم، شماره ۹۶

Jun 2021

خرداد ۱۴۰۰

سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati  
E\_mail: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei  
E\_mail: shararehrezaei.p@gmail.com



### مطالب

طرح از: مریم رضائی گیوی، "رونیا"

به مناسبت روز جهانی بهداشت قاعدگی  
سحر صامت  
بمناسبت گرامیداشت 20 ژوئن روز  
جهانی پناهنده نوری شریفی

جنش، می تو "بررسی یک" کیس"  
مصاحبه سازمان رهایی زن با ثریا  
شهابی

قتل هایی که بوی خانواده می دهند!  
شراره رضائی

تراژدی خودسوزی سحر بابا سلجی

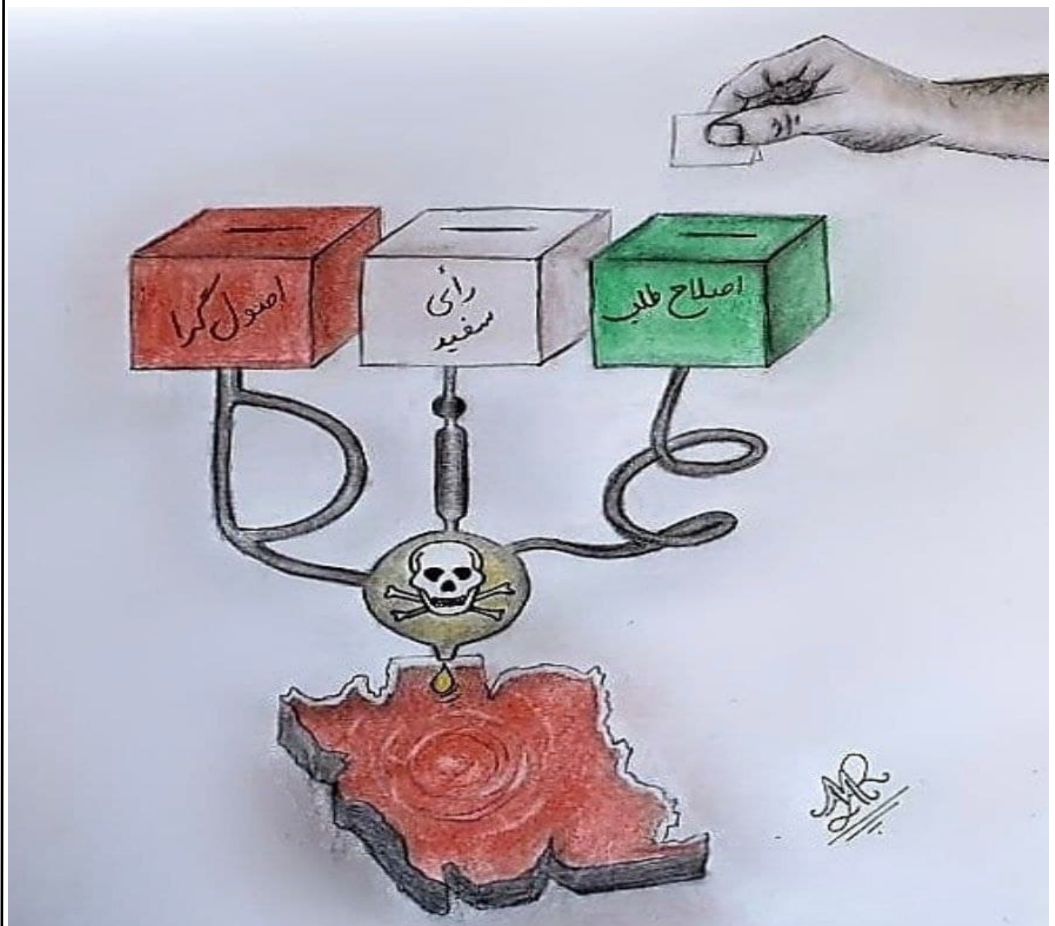
راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان  
آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، آرشیو  
نشریه

### طرح از: مریم رضائی گیوی، "رونیا"

#رای\_بی\_رای

هر رای شریک در جنایت حکومت و تیر خلاص به قلب فرزندان، خواهر و برادرانمان



به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.  
**Markazi@RahaiZan.org**

به مناسبت روز جهانی بهداشت قاعدگی

سحر صامت

گزارشگر تلویزیون رهایی زن



قرن هاست که زنان با مشکلات زیادی در دوران قاعدگی در خانه، مکتب و محیط کار روبرو اند. در بعضی از کشورها مساله مطرح شدن قاعدگی از لحاظ فرهنگی با چالش کمتر روبرو میشود اما در اکثر کشورها دختران آگاهی و توانایی بیان این موضوع را ندارند. هنوز هم مطرح شدن پریود از سوی تعداد اندکی دختران جوان حتی در کشورهای غربی هم دشوار است. به همین دلیل ۲۸ ام ماه می در سال ۲۰۱۴ به روز جهانی بهداشت قاعدگی نام گذاری شد.

در کشوری مانند افغانستان، با وجود دنبال کردن فرهنگ و سنن بسیار قدیمی و جامعه ی مردسالار، سخن گفتن از خونریزی ماهیانه ی زنان در میان اعضای خانواده، به خصوص با جنس مخالف مانند پدر و یا برادر کاریست بسیار دشوار و موجب خجل زدگی آن خانواده محسوب می شود.

اما در این میان تعدادی از فعالین حقوق زنان در افغانستان به مناسبت روز جهانی بهداشت قاعدگی کارزاری به نام قاعدگی تابو نیست را برگزار کردند. آنها با حضورشان در مکاتب دخترانه و پسرانه و معرفی پد های بهداشتی و سایر وسایلی که مربوط به بهداشت در دوران قاعدگی می شود به شاگردان اطلاع رسانی میکنند و به آنها می آموزند که حرف زدن در زمینه پریود دختران و زنان بی شرمی تلقی نمی شود.

**سحر صامت:** از شکریه مشعل یک تن از اشتراک کنندگان این کارزار از شهر هرات، پرسیدم چه چیزی موجب شد تا او به این کارزار بپیوندد؟

**شکریه مشعل:** اولین بار که متوجه اوج مشکلات دختران و کتمان نمودن پریود شدم

زمانی بود که دانشجو بودم. وقتی در دانشگاه مجبور بودم ساعت های متوالی روی چوکی های (صندلی) سفت و آهنین بشینم و در رمضان هم حتی آب ننوشم. وقتی پریود می شدم با جنجال های زیادی در دانشگاه، نوار بهداشتی پیدا می کردیم یا مجبور بودم غیر حاضر شویم و به خانه برگردیم. این مساله سال ها گذشت و همه دختران دانشجو این موضوع را به همین منوال طی می کردند. بعد مدت ها شروع به نوشتن مقالات زیادی در مورد تابو بودن پریود، شرم از پریود، تغذیه مناسب در این دوران، مشکلات دختران در ماه رمضان نمودم و به همین منوال در فیسبوک هم مطالبی می نوشتم. گاهی کلیپ یا عکس می گذاشتم که با عکس العمل های بسیار عجیبی روبرو می شدم. چند ماه پیش وقتی از برادرم خواستم برای من به خانه نوار بهداشتی بیاورد اون یک پلاستیکی که نوار بهداشتی در آن گذاشته بود با چند ورق سفید به دستم داد. (البته باید بگویم نوار بهداشتی مورد نیاز دختران را در فامیل عموما اطفال خورد سن فامیل به عهده دارند) بعد گفت که دکاندار پلاستیک سیاه نداشته و بعد ورق سفید را همایش گذاشته است که دیده نشود اینجا بود که تلنگر بزرگی به من وارد شد.

با جمعی از بانوان که در مورد زنان و مشکلات شان دغدغه داریم یکجا و هماهنگ شروع کردیم تا با استفاده از فرصت در آستانه روز جهانی پریود فعالیت های مان را آغاز نماییم. این کاملاً یک حرکت خودجوش و تیمی بوده است. اعضای این تیم با یک هدف واحد قلم میزنند و مبارزه می کنند.

**سحر صامت:** هدف از برگزاری این کارزار چیست؟

**شکریه مشعل:** ما جدا از هر مسئله ای خاصی فقط خواهان تغییر ذهنیت ها، از بین بردن تابوی پریود، شرم ندانستن تنانگی زنان، حل مشکلات سلامتی دختران، آگاهی دختران در مکاتب و موارد مهم دیگر که می تواند نقش بزرگی را در بالا بردن معلومات زنان و مردان، خصوصاً دختران جوان ایفا کند، هستیم، همواره در این زمینه باهم متحدانه فعالیت خواهیم کرد.

**سحر صامت:** به نظر شما چقدر مسایل سیاسی مانند جنگ، مسایل اقتصادی، اجتماعی و مذهبی روی آگاهی دهی برای چنین مسایلی مانند پریود شدن یا همان قاعدگی تاثیرگذار است؟

**شکریه مشعل:** موضوع زنان و حقوق شان در افغانستان یکی از موضوعات بسیار

حساس و در عین زمان درخور توجه و دقت است. موارد مربوط به زنان از آغاز تا انجام قرن بیستم در افغانستان با فراز و نشیب های جدی روبرو شده و هر وقت تحولی در زمینه به میان آمده است، جامعه مرد سالار و عنعنه گرای کشور با رفتاری محافظه کار جلو آن را گرفته اند با تعبیر و تفسیر های دینی ذهنیت های دیگر مردم را تحریک کرده اند. نصف نفوس کشور همیشه به حاشیه کشانده شده است. بدون شک که تحولات سیاسی در کشور اصل عمده و کلید عمومی رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بشری محسوب می شوند. و مردم توقع دارند که همواره مسائل زنان غیر مهم و غیر ضروری پنداشته شده و در مورد مسائل داغ که همان جنجال های عالم سیاست است بحث صورت گیرد. و البته همیشه حرکت های این چنینی در این برهه ای از زمان، فعالیتی غیر مناسب به نظر می رسد.

**سحر صامت:** از لاله عثمانی یک تن از اشتراک کنندگان این کارزار، در مورد نقش دولت در زمینه اطلاع رسانی پرسیدم.

لاله که خود قرار بود کمپینی را راه اندازی کند و توسط این کمپین پد های بهداشتی را در اختیار دختران و زنان قرار دهد و آنها را نور بهداشتی آشنا کند و تابو شکنی کند. او حال به جمع برگزار کنندگان کارزار قاعدگی تابو نیست پیوسته است.

عثمانی، با توجه به کمک هایی که از سوی جهانیان برای رشد فرهنگ و ایجاد یک جامعه ی نسبتاً برابر به دولت افغانستان، ما شاهد پیشرفت چشمگیری در طول این ۲۰ سال نیستیم. وقتی ما از قاعدگی زن صحبت میکنیم با موجی از نظریات منفی از سوی مردم جامعه خود روبرو می شویم.

**قاعدگی تابو نیست، سکوت را بشکنیم!**

**MENSTRUATION IS NOT A TABOO**

**دنجنو میاشتنی عادت شرم نه دی**

**MENSTRUAL HYGIENE 28 DAY MAY**

سحر صامت روز جهانی بهداشت قاعدگی

Rahai Zan سازمان رهایی زن WWW.RAHAIZAN.TV

لاله ميگويد مشكل ما تنها مقابله با افكار مردان نيست بله تعدادي از زنان نيز ما را مورد امواج ناسزا هاي خود قرار داده اند. به گفته لاله، تاكنون زنان در آن منطقه نتوانسته اند بابدن خود آشتي كنند و خود آن را بشناسند. پس نتيجه ميگيريم كه دولتمردان و حتي زنايي كه جايايگايي در اين دولت گرفتند هيچ برنامه مفيدى در اين راستا ارايه نكرده اند.

**سحر صامت:** از لاله در مورد توجه وزارت تعليم و تربيه در زمينه آگاهي رساني پروسه قاعدگي توسط كتاب هاي درسي پرسيدم. **لاله عثمانى:** دقيقا قبل از تماس شما با مدير يك مكتب تماس گرفتم و همين سوال را پرسيدم كه آيا اين وزارت چه برنامه تعليمي در مورد قاعدگي زنان روى دست گرفته است؟. لاله در ادامه گفت طبق حقيقاتمان متوجه شديم كه هيچ کدام معلومات علمي در دسترس شاگردان نيست.

لاله كه مسوول آموزش زنان است مي گويد، من روزانه ۴۰۰ زن را ملاقات ميكنم تا آموزش هاي ابتدائي را به آنها ارايه دهم. همزمان با چندين قابله و كساني كه اين زمينه تخصص دارند تماس گرفتم و قرار است آنها نيز به صورت علمي به زنان آموزش مربوط به رعايت بهداشت در دوران قاعدگي را آموزش دهند. اما لاله سخنان خود را اينگونه ادامه مي دهد؛ در طول تماس هايي كه با داکتر و قابله ها داشتم متوجه شدم هيچ کدام آنها حاضر نيستند به صورت رايگان معلومات را در اختيار زنان قرار دهند. لاله به مورد دردناك تري اشاره كرد؛ حتي يك خانم كه از سوي دولت هندوستان پروژه و بودجه دريافت کرده تا در اين زمينه فعاليت داشته باشد، حاضر نيست به ما ياري برساند.

**سحر صامت:** از شكرية پرسيدم، در طول اين ۲۱ سال چقدر وزارت صحت عامه چقدر براي اطلاع رساني از طريق مضامين و يا گونه هاي ديگر تلاش کرده است؟

**شكرية مشعل:** متاسفانه هيچ تلاشي را در اين زمينه ننموده است. همواره در مكاتب قسمت هاي مربوط به بيولوژيك بدن زنانه نادیده شده و يا خيلي به صورت پيش افتاده به خاطر شرم و حيا توضيح داده ميشود.

صحت عامه كشور نقش عمده اي در اين زمينه ايفا مي كند كه نظر به گزارش يونسيف متاسفانه فيصدي عظيمي از دختران بعد از پريود به خاطر نبود تشناب و آگاهي كامل از مكتب باز نگهداشته مي شوند.

در قرية جات امراض گوناگوني به خاطر عدم بهداشت دوران قاعدگي در زنان ايجاد ميشود. لاله نيز ميگويد؛ اين وظيفه ي وزارت صحت عامه است كه هميشه در اين زمينه فعال باشد.

يا حداقل يك يا دو هفته قبل از ۲۸ ام ماه مي كمين هايي را در اين زمينه برگزار كند. به طور مثال خود داکتر به مكاتب، مناطق دوردست و محروم مي رفتند و در زمينه ي قاعدگي و بيماري هايي كه ناشي از عدم رعايت بهداشت در دوران قاعدگي گريبان زنان مي شود اطلاع رساني كنند. وزارت صحت عامه اگر هم برنامه يي روى دست داشته بسيار سطحی و در مكاتب محدود بوده است.

لاله اظهار داشت: دولت بايد نظارت بيشتري به وزارت خانه هاي صحت عامه و تعاليم و تربيه مي داشت. به طور مثال از طريق نرم افزارها مي توانستند اطلاعات مفيدى را در اختيار دختراني كه تازه قاعدگي را تجربه ميكنند قرار دهد.

**سحر صامت:** واكنش هموطنان در دنياي مجازي به سخن گفتن در مورد قاعدگي زنان چيست؟

**شكرية مشعل:** طبيعتا هر حرکتي كه آغاز شود به گونه اي كاملا عادي موافقان و مخالفين خود را دارد. اين برنامه آگاهي دهی هم طرفداران خود را داشته كه در فضاي مجازي به گونه بسيار گسترده بازتاب پيدا كرد. اما متاسفانه در برابر خيلي از افراد كه توقع ميرفت به طور سالم نقدي بنويسد مورد فحاشي و ريكی گويي قرار گرفتيم و بيشتتر مخاطبان مخالف را خود زنان تشكيل ميدادند. او مي گويد: افراي كه هنوز افكار شان در عصر حجر است در عصر امروز زندگي ميكنند و حاضر به بروز كردن افكار خود نيستند. چنين اشخاصي مشكلات سياسي، نا امنی ها و مشكلات اقتصادي كشور را بهانه نموده و مي گویند دغدغه اساسي زندگي آنها موضوعات ديگر است نه مساله ي مطرح كردن زنان و مشكلات ناشي از فرايند قاعدگي. بعضی ها هم تهمت پروژه اي بودن را زدند كه مي گذاريم به حساب بي اعتمادی و فكر هاي كه باور به رشد زنان مبارزه را به گونه اي خود جوش ندارد.

و همچنان موارد زيادي كه گفته اند صحبت در اين مورد شرم هست و خجالت اور و زنان نبايد در اين مورد عكس بگذارند و مسائل زنانگي خویش صحبت كنند.

اما در نتيجه حرکت ما هر روز قوی تر شده و بيشتتر انرژي

پيدا مي كنيم تا با تمام قوت عليه افكار پوچ و پوپنك زده مبارزه كنيم. آگاهي دهيم ما به تغيير باورمند هستيم.

خاطره اصفی متخصص زنان در اين مصاحبه مي گويد؛ عدم رعايت بهداشت در دوران قاعدگي مشكلات زيادي مانند عفونت در ناحيه رحم را به همراه دارد. او مي گويد

تعداد زيادي از دختران و زنان با مشكلات عفونت رحم مواجه مي شوند و دليلش هم عدم اطلاعات كافي والدين براي آگاهي دهی دخترانشان در اين زمينه، دسترسي به مواد بهداشتي به خاطر مشكلات اقتصادي و يا دشواري براي تهيه ي نور بهداشتي از لحاظ فرهنگي توسط دختران در جامعه مردسالار و سنتي ماست. در افغانستان اكثر دختران از پارچه هاي غير استريل براي دوران قاعدگي استفاده ميكنند كه خود اين پارچه ها منبع انواعي باكتري ها و منسح عفونت هاي رحم و مجرای ادرايست. اصفی مي گوید حتي تعدادي از زنان كه از نور بهداشتي استفاده ميكنند اطلاعات كافي را ندارند. به طور مثال هر نور بهداشتي به بايد به صورت منظم تبديل كنند تا با اين كار مانع رشد باكتري ها در ناحيه ي واژن شوند. براي همين جامعه نياز به اطلاع رساني عمومي دارد. با وجود سنت هاي ديرينه مطرح كردن زن و بدن زنان در جامعه ما كاري دشوار است و نياز به برنامه ريزي هاي دقيق سرمايه گذاري و پشتكار جدي دارد.

خاطره مي گوید؛ ابتلا به عفونت پي اي دي مي تواند پروسه بارداری را به چالش بكشاند. او ميگويد همين عفونت هاست كه مي تواند زنان را به سرطان رحم و يا تخمدان مبتلا كند. به گفته ي خاطره به علت عدم اطلاعات كافي تعداد زيادي از دختران و زنان بدن خود را به خوبي نمی شناسند و هر گونه علامتي را نادیده گرفته و به آساني به دكتر مراجعه نميكنند. به گفته اصفی آمار دقيقی از ابتلاي دختران و زنان به بيماري هاي مربوط به رحم و تخمدان در دست نيست.

اكثر زنان سعی مي كنند تا به درمان هاي خانگي مراجعه كنند و طبق اطلاعات بسيار قديمي و غير آكادميك اندك آموزه را به نسل جديد آموزش دهند. به طور مثال اكثر مادران مانع استحمام دختر خود در دوران قاعدگي مي شوند كه اين خود كه مافكوره ي غير آكادميك و حتي طبق معلومات پزشكي دختران و زنان بايد در دوران قاعدگي استحمام و يا واژن خود را دست كم روزي يك الي دو بار بشويند.

**سحر صامت:** منيژه رامزي روانشناس و استاد دانشگاه در كابل چنين مي گوید.

**منيژه رامزي:** در جوامع بشري والدين و معلمان مسئول اند تا براي نوجوانان و جوانان در زمينه هاي حيات اجتماعي آگاهي هاي لازم را ارايه نمايند. افغانستان كشوري است كه مردم آن از مصايب ناگوار اجتماعي آسيب پذير اند.

ادامه در صفحه ي 9

**بمناسبت گرامیداشت 20 ژوئن روز جهانی پناهنده  
نوری شریفی فعال حقوق بشر**



در آن مشترک هستند اینست که آنها با چنگ و دندان کوله بار پراز درد و رنج بی خانمانی خود را برداشته و راهی سرنوشتی نامعلوم گشته اند. بار سنگین بی وطنی و ناامنی را همواره بر دوش کشیده اند. در این میان برخی در آغاز راهند، برخی در میانه راه هستند. برخی به پایان راه رسیده اند و گروهی دیگر هیچگاه به مقصد نرسیدند و جان و روح خود را از دست داده اند. هر پناهنده روایت یک زندگیست که چشم اندازی برای آینده خود ندارد و تنها امید به اینکه به امنیتی خواهد رسید، او را در جنگی نابرابر زنده نگاهداشته است. طبق ماده 13 اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر انسانی حق دارد که محل اقامتش را خودش انتخاب کند و در هر کشوری اجازه ی تردد داشته باشد. اجازه دارد بین کشورها تردد کرده، کشور خود را ترک کند و به آن بازگردد». همچنین طبق ماده 14 اعلامیه حقوق بشر: «اگر کسی تحت شکنجه و آزار قرار بگیرد میتواند در جستجوی پناهگاهی باشد و بعنوان پناهنده وارد کشورهای دیگر شود».

مشکلات عدیده ای که آوارگان همه روزه در سرتاسر جهان با آن دست و پنجه نرم میکنند ، باعث شده است تا سازمانهای جهانی به خود بیایند و برای این معضل جهانی کوی ببیندند. این تعداد بیشمار از مردم دنیا نیاز به حمایت و ساماندهی و البته مقابله با ظلم متجاوز دارند. بواسطه به رسمیت شناختن حقوق پناهنده توسط مجامع بین المللی، البته میلیونها انسان مورد تعقیب حکام دیکتاتور و نیازمند به حمایت در گوشه آرامی برای ادامه زندگی با حفظ کرامت انسانی شان یافته اند.

به امید پایان آوارگی انسانهایی که تنها بدنبال کرامت انسانی خود میباشند و حقوق ذاتی و شهروندی خویش را مطالبه میکنند./

پناهندگان ایرانی هم از جمله کسانی هستند که بواسطه رژیم دیکتاتور و سرکوبگر دینی ، از سرزمین خود بیرون آمده اند و بدنبال امنیت و حقوق از دست رفته خود هستند. برخی هم بخاطر سابقه سیاسی که داشتند و فعالیتهای امروزی خود ، از تیررس جمهوری اسلامی ایران خارج شده اند. حکومتی که صرف مخالفت با سیاستهای نابخردانه مسئولین نالایق نظام و ایدئولوژی سلطه گر و متحجراسلامی آن کافیتست تا مجازاتی سنگین برای زندانیان سیاسی سابق و فعالین مدنی اکنون تعیین کند. این انسانها برای فرار از مجازات ناعادلانه و در خطر افتادن جان خویش ناگزیر از فرار میشوند، فراری که حتی به قیمت هرگز ندیدن کشور و بستگان یا عزیزان خود تمام میشود. وجود آنها سرشار از غم و درد و ترس و اضطراب است ، و پس از مدتها آوارگی و بی پناهی خود را به سرزمینی میبرسانند که گمان میکنند میتوانند موطن آنها و مأمنی برایشان باشد ، اما گاهی اجحافها و نادیده گرفتن حقوق آنان دنیا را برایشان غیر قابل تحمل میکند. در برخی از نقاط جهان اول، روی کار آمدن احزاب راستگرا و نژادپرست ، روزگار پناهجویان را بسیار سخت کرده است، بطوریکه گاهی شاهد هستیم که آنها در شرایط کاملا غیر انسانی نگهداری میشوند. این کشورها با وجود اینکه توافق کرده اند که سهم مشخصی از پناهندگان را بپذیرند اما چنین رفتارهای ضد بشری از جانب بعضی از دولتها ، نشان از این دارد که آنان از مسؤلیت شانه خالی میکنند و اینچنین است که هر روزه آمار بی سرانجامان و آوارگان در جهان افزایش می یابد. هر یک نفر داستانی متفاوت از دیگری دارد اما آنچه

اولین تعریفی که از واژه پناهنده در اسناد بین المللی شده است مربوط به کنوانسیون وضعیت پناهندگان در سال 1951 میباشد: « پناهنده کسی است که به دلایل نژاد، مذهب، ملیت یا عضویت در یک گروه خاص اجتماعی یا عقیده سیاسی، ترس موجهی از آزار دارد و در خارج از کشور اصلی خود بسر میبرد و بعلت ترس از آزار قادر یا مایل به برخورداری یا بازگشت به آن نیست. «پس میتوان پناهنده را فردی دانست شجاع و قوی که برای در امان ماندن از درگیری یا آزار و شکنجه مجبور به فرار از کشور خود شده و برای رسیدن به مکانی که بتواند به حقوق اولیه خود برای زنده ماندن و زندگی کردن دست یابد ، اغلب مصائب زیادی را نیز تحمل کرده است. اجبار به ترک کشور یعنی ترک فرهنگ و زبان و نیاکان. یعنی ترک شهر و خیابان و کوچه، و ترک تمام خاطرات . بنا به گفته سازمان ملل متحد تا پایان سال 2019 دست کم 79 میلیون و 500 هزار نفر آواره در جهان وجود دارد. البته این آمار تنها شامل آن افرادی است که سازمان ملل متحد به هویت آنها دسترسی دارد وگرنه هزاران نفر در جهان، در حال فرار از مرزها هستند که نه هویتی از آنها به ثبت رسیده و نه در خواست پناهندگیشان مورد قبول واقع شده است. بسیاری از آنها هرساله در این راه جان خود را از دست میدهند بدون آنکه کسی از سرنوشتشان مطلع شود. تعداد زیادی از این پناهجوها در دریا غرق میشوند. صدها نفر در کمپها در معرض خشونت و گرسنگی هستند. دهها نفر در مرزها بازداشت شده اند. خطر دیپورت شدن تعداد زیادی را تهدید میکند. بر تعداد این آمار هر روزه افزوده میشود، و در همه جا خطرات گوناگون او را تهدید میکند.



**جنبش "می تو" بررسی یک "کیس" و پاسخ به سوالات بینندگان بعد از پخش از تلویزیون رهایی زن مصاحبه سازمان رهایی زن با ثریا شهابی**

ناامنی و مورد تعرض جنسی، لفظی، فیزیکی، روحی و روانی قرار گرفتن است، را نشان داد. آن را با ادعاهایی که تعداد زیادی از زنان و شخصیت های خیلی سرشناس هالیوود مطرح کردند، و یکی از کیس های آن که به نتیجه رسید که در مورد هاروی واینستین بود که دو فقره تجاوز (rape) را توانستند ثابت بکنند و فکر کنم به بیست و سه سال زندان محکوم شد، امکان و فضایی بوجود آورد.

این ماجرا یک تحرکی را بوجود آورد، حاوی اینکه "زنان سکوت را بشکنند" و در موردش صحبت بکنند. بخصوص اینکه سکوت در مورد اینگونه رفتارها بخشا بخاطر ترس است و بخشی هم جزو فرهنگ داده جامعه است. یعنی ناامن زندگی کردن و احساس نا امنی کردن بخاطر جنسیت بخشی از داده زندگی همه زنان و دختران کره خاکی است. مگر اینکه کسی در محفظه بزرگ شده باشد که آن را ندیده یا احساس نکرده و یا تجربه نکرده باشد. شما از هر دختر و پسر و خواهر برادری که بپرسید می فهمند که دختر که بخواد از خانه بیرون برود، هر چقدر هم که در خانه اش رابطه امنی برقرار باشد باید بیرون از خانه مراقب باشد. شب باشد یا روز فرقی نمی کند، چه در محیط کار یا بیرون از آن "امن نیست" باید مراقب باشد. باید "لباس خوب" بپوشد که مورد تعرض قرار نگیرد. نه بخاطر اینکه کسی بیاید و مرتکب قتل شود یا اینکه جیب شما را بزند که می تواند شامل حال همه شود، نه بخاطر اینکه کسی جرم و جنایتی بکند و ممکن است شما هم قربانی آن جرم و جنایت شوید؛ بلکه تعرض بخاطر جنسیت شما صورت می گیرد. و شما باید "امن" رفتار کنید. و این جزو داده زندگی زنان و دختران است و به جرات می توان گفت که تمام زنان و دختران کره خاکی در این شرایط به دنیا می آیند، بزرگ می شوند و زندگی و کار می کنند. اینکه بعضی ها جرات دارند در موردش حرف بزنند یا بعضی ها به دادگاه می کشانند به جای خود، اما نود و نه درصدش اصلا به هیچ دادگاهی کشیده نمی شود و هیچ صحبتی از آن هم نمی شود. بعضی ها به اشکال خشونت آمیز و تجاوز و قتل و غیره می رسد، بعضی ها هم جزو داده زندگی قربانی می شود و با آن زندگی می کند و یاد می گیرد که چطور "امن" زندگی کند. امن به این معنی که بدانی هر لحظه مورد تعرض هستی از محیط کار و میتوانی مورد سواستفاده جنسی قرار بگیری! می خواهم بگویم این به داده جامعه تبدیل شده است. این سکوت را شکستن،



اولاف پالمه در استکهلم ترور شد و پلیس فرد مظنون را دستگیر کرد، در روزنامه ها مظنون را فرد ۳۳ ساله نامیدند و تا پایان دادگاه عموم مردم از هویت این فرد مطلع نشدند. همچنین در موارد دیگر هم مشاهده کرده ایم که به همین شکل بوده است که برای حفظ حرمت و آبروی افراد، نام متهم تا اثبات جرم و اعلام حکم فاش نمی شود. به هر حال اصل بر برائت است و تا اثبات جرم در دادگاه صالحه متهم بی گناه شناخته می شود. اما برگردیم در رابطه با جنبش "می تو" که یکسال است پا گرفته است. دوست داشتم قبل از پرداختن به کیس آقای نامجو بعنوان یکی از موارد متهم به تجاوز جنسی، کلا در مورد جایگاه جنبش "می تو" در دنیای مجازی و دنیای حقیقی و حقوقی توضیحاتی بدهید و در عین حال اینکه از شما بپرسم که چگونه است که محسن نامجو در همین دنیای مجازی، متهم، محکوم و مجازات می شود؟

**ثریا شهابی:** شما به مقدمه خیلی خوبی در مورد حقوق متهمین و مجرمین اشاره کردید. ولی اجازه بدهید همانطور که سوال کردید از خود جنبش "می تو" شروع کنم. جنبش "می تو" یک حرکتی بود در سطح یکی از بالاترین سوخت و سازهای فرهنگی جهان که بر کرسی ریاست فرهنگ و ارزش و اعتبار و ایندولوژی غرب که بر جهان سیطره دارد. شروع این جنبش تحرکی بود در این سطح، که بر پیکره جامعه ای که زن ستیزی و ناامنی زندگی زنان بخشی از داده محیط های کار و زندگی همه زنان در سراسر دنیا است، خراشی ایجاد کرد. گوشه هایی از کوه عظیمی که در دنیا در مورد وضعیت زنان وجود دارد و آنهم احساس

**مقدمه:** متنی که میخوانید، متن پیاده شده مصاحبه تلویزیون رهایی زن با من است که در تاریخ ۲۶ آوریل ۲۰۲۱، از این تلویزیون پخش شد، که توسط رفیق آزاد کریمی پیاده و ادیت اولیه نگارشی، و توسط من تدقیق و ادیت نهایی، شده است. در خاتمه در پاسخ به سوال و ملاحظات تعدادی از بینندگان، توضیحات و پاسخ های من را میخوانید. **ثریا شهابی**

**مینو همتی:** ایکاش برای ورود به دنیای مجازی و "راندن خر مراد"، همچون رانندگی با اتوموبیل نیازمند مطالعه آئین نامه و کسب قبولی در تئوری و عمل، در شناخت و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و کسب گواهی نامه می بودیم. خطرات ناشی از تصادمات در دنیای مجازی دست کمی از صوانج رانندگی نداشته اند. در هندوستان و آسیای شرقی شاهد هجوم گله وار تحریک شدگان دنیای مجازی به اقلیتها و زنان بودیم و در مدارس غرب هر از چند گاهی شاهد تهاجم گروهی به یک نوجوان هستیم که منجر به خودکشی یا افسردگی گردیده است. و اخیرا شاهد همه گروهی به محسن نامجو در دنیای مجازی بوده ایم. در این برنامه از ثریا شهابی صاحب نظر مارکسیست و مدافع حقوق زنان و کودکان دعوت کردیم که ماجرا را از منظری دیگر بررسی کنیم.

**مینو همتی:** ثریا شهابی؛ با سلام های بسیار گرم، به برنامه رهایی زن خوش آمدید!

**ثریا شهابی:** خیلی متشکر. من هم به شما و بینندگان برنامه سلام می کنم.

**مینو همتی:** اگر بخاطر داشته باشید وقتی که

بخصوص زمانی که اگر زنان و دختران در مورد آن حرفی بزنند خودشان اولین کسی هستند که سرزنش می شوند، که گویا این شما هستی که بد لباس پوشیدی، این شما هستی که رفتار بدی داشته ای و یا اینکه این شما هستی که خندیده ای، ..... مهم است.

البته در مورد ایران فرق می کند. ایران قانونا گفته که شما مورد تعرض قرار می گیری مگر اینکه آنطور که من می گویم رفتار بکنی که تازه اگر آنطور هم که تعیین شده است رفتار بکنی تازه باید بروید در نوبت معاملات جنسی که باید برای شما تعیین بکنند که چطوری رفتار بکنی وگرنه امنیت حفظ نمی شود. و شکستن این سکوت خراشی ایجاد کرد که ببینید در بالاترین سطح سوخت و ساز فرهنگی جامعه، چه منجلابی از نا امنی و زن ستیزی وجود دارد! و از این نظر این اتفاق به مانند شوکی بود که باعث شد خیلی ها این سکوت را بشکنند و زنان زیادی سکوت را شکستند و آمدند صحبت کردند. کیس های خیلی زیادی هم طرح شد که اصلا مجرم ندارد و مبنای هیچ دادگاه و به محاکمه کشاندن هیچ متهمی واقع نشدند. و در مورد اثبات جرم و قوانین کیفری هم تلاشی صورت نگرفت. فقط طرف آمده و گفته که به من هم تعرض شده است. شما نمی توانید زن یا دختری را در آن جامعه پیدا کنید و بگوید که من از کوچه رد شدم و کسی به من تعرض یا لیچاری نگفته باشد و یا اینکه تحقیری و یا شوخی جنسی نکرده باشد. از پسر بچه کوچک گرفته تا آدم بزرگسال غالبا به خودش حق میدهد که این کار را بکند! و اسم این تعرض را گذاشته اند رفتار جنسی. اینها هیچکدام رفتار جنسی نیستند. اینها نا امن کردن محیطی است که شما در هر لحظه باید مواظب باشید که به نوعی مورد تعرض واقع نشوید. تا جایی که به این جنبش بر می گردد، این حرکت خراشی ایجاد کرد که این ریاکاری و این تصویر زیبا و این تصویر رنگین از ارزشها و معیارها و حرمت زن در بالاترین سطح فرهنگی جامعه که برایش اسکار می گیرند و همچنین خود ایئولوژی ای که تولید می کنند و رنگش را به دنیا می زند در چه منجلابی فرو رفته است. چه برسد به آن لایه های پایینی جامعه!!!

همه می دانیم که صنعت سینما بخصوص بعد از جنگ سرد واقعا به یک نهاد افکار سازی و ایئولوژییک و سیطره تمام بر سوخت و ساز فرهنگی با صنعت فیلم و موسیقی و هنری که غرب دست بالا را داشت تبدیل شد و هژمونی دارد. و شما وقتی در این سطح می بینید که یک خانم هنرپیشه ای که اگر بخواهد رل مورد نظرش را بازی کند بعنوان مقرارت شغلی و غیره باید هزار تا خدمات جنسی به تهیه کننده بدهد و یا اینکه خیلی چیزهای

دیگری را تحمل کند، و به ندرت زنانی را می بینید که به مراتب بالا رسیده باشند بدون اینکه از چنین تعرضاتی در امان بوده باشند. خیلی از آنها "مشکلی" با این قضایا نداشته اند و حتی از روندی که باعث موفقیت اشان در این عرصه شده است هم تشکر کرده اند، هر چند که این کمترین تخفیفی در جرایم جنسی صورت گرفته، زن ستیزانه بودن آن ندارد. نمی توان منکر شد که زشتی و ضمختی و تلخی این واقعیت بنیادین، به بخشی از سوخت و ساز و داده جامعه تبدیل شده است. اینکه این جنبشی که به راه افتاده تا چه اندازه می تواند دامنه نفوذ داشته باشد، بخشی از آن به زندگی های واقعی و زمینی انعکاس پیدا کرده است مثل سرنوشتی که کیس "هاروی و اینستین" داشته و در دادگاه ثابت شده است. اما خود این جنبش اساسا جنبشی در دنیای مجازی بوده و خیلی از آنها فقط در سطح ادعا باقی مانده است و هنوز اثبات نشده است. ولی همینکه باعث شده که خیلی ها این سکوت را بشکنند و خجالت نکنند و احساس شرم نکنند و اینکه اگر کسی به آنها تعرض کرده است احساس گناه نکنند، فضایی ایجاد کرده که قابل دفاع است. منتهی اینکه این به کجا برسد و چه دامنه ای پیدا بکند و آیا این جنبش می تواند نا امنی موجود بر زندگی میلیاردها زن که دستشان به چنین کمپین هایی نمی رسد حل بکند یا نه، و بتواند ریشه این تبعیض را بشکند یا نه، حتی در خود آمریکا، به نظر من این سوال محقی است و به نظر من مطلقا نا توان است! حالا اگر لازم شد می توانیم بیشتر در این زمینه صحبت کنیم.

**مینو همتی:** اتفاقا سوال بعدی من هم در همین زمینه است. اینکه نظر شما در رابطه با این کمپین چیست و اینکه آیا می توان از دل همین کمپین ها تصویری از یک پیشروی مهم در زمینه حقوق زنان دید یا نه سوال بعدی من از شماست.

**ثریا شهابی:** ببینید؛ راهی که این کمپین ها به طرف آن کانالیزه می شوند این است که به طرف "نزاکت سیاسی" (political correctness) برود که این سنت بخصوص در آمریکای شمالی خیلی قوی است. "نزاکت سیاسی" در سطح و دست نزدن به تبعیض ها و بنیادهای نابرابری جامعه که نهادینه شده است. شما در آمریکا فجیع ترین و کثیف ترین نوع تعرض به سیاه پوستان را دارید، و از آنطرف هم شسته رفته ترین و تمیزترین لفظ بیان را دارید که اگر به یکی بگویید سیاه، شما مجرم شناخته می شوید. جنایی کردن استفاده از الفاظ و کلمات و بیان در روبنا و ظاهر قضیه و اجتناب کردن از

اینکه کمترین جوابی به حل بنیاد مصائب دادن، این یک کج راهی است که اتفاقا در مقابل این جنبش "می تو" هم هست و همین الان هم می بینید که به این سمت رفته است. هر سوخت و ساز شخصی آدمها را جنایی اعلام کردن و به جای اینکه هدف این باشد که جامعه را امن نگه دارید، به جای اینکه هدف این باشد که عدالت را برقرار کنید، به جای اینکه هدف این باشد که آموزش بدهید و ریشه های اقتصادی بازتولید این تعفن را در سطح فرهنگ، ایئولوژی و فکری بخشکانید، همه اینها را تخفیف دادن به اینکه شما یک کلام از دهنتان خارج شد و گفتید "این" یا "آن"! و در این سیر انواع و اقسام هویت تراشی های بر مبنای تبعیض و نه برای رفع آن، و جنایی کردن لفظ و گفتگو و جوک و غیره. این عینا اتفاقی است که در آمریکای شمالی مثلا علیه نسل های بعدی بومیان "سرخیوست" اتفاق می افتد که ظاهرا هزار و یک آوانس "فرهنگی" به آنها می دهند ولی در اعماق آن جامعه یکی از محروم ترین و بی حقوق ترین شهروندان آمریکای شمالی همین بومیان و سیاهپوستان هستند. در مورد "می تو" هم، کار بیشتری در دل این جنبش نمیتوانست انجام بگیرد. مگر اینکه خراشی به بدنه این تعفن بزند و آن را نمایان کند که همینکار را هم کرد و اتفاق خوبی هم بود ولی اینکه آیا ادامه این جنبش می تواند دنیار را امن بکند یا نه، مخصوصا به این شکلی که پیش می رود و فقط در دنیای مجازی جاری است! بنظر من نه! شما می بینید که در سطح هالیوود قابل کنترل است، شما نمی توانید به همین سادگی کسی را متهم کنید. مابه ازاد، قانونی وجود دارد، و جرم به حساب می آید. ولی در ایران به این شکل نیست، در دنیای مجازی و سوسیال مدیا که هیچ مقرراتی وجود ندارد می تواند وسیله هر چیزی قرار بگیرد به غیر از امن کردن محیط زندگی و کار زنان. و ما نمونه های خیلی زیادی داشتیم که جایی که شما دستت به قانون نمی رسد، جایی که شما پول و امکانات و نهاد و وکیل و پشتوانه محکمی ندارید و زیر فشار اخلاقیات قرار گرفته اید، می تواند موجب انتقام کشی و کینه کشی های شخصی شود. و آن چیزی که انتظار می رفت این کمپین به درجه ای تبعیض ها را رفع کند و عدالت را برقرار کند، تبدیل شود به یک میدان دیگری از جدال های لفظی و اتهام سازی ها و پرونده سازی ها و به قول معروف، خودت دادگاه باشی و خودت قاضی باشی و شاهد و مدرکی هم لازم نداشته باشی و فقط بخواهی حکم صادر کنی!

و من فکر میکنم وظیفه این جنبش در همین

کرد و عدالت را روی زمین مادی متحقق کرد! باید چنین کیس هایی را به دادگاه کشاند و به مسئله جواب داد تا حقیقت قضیه معلوم شود.

من در مورد کیس آقای نامجو اطلاع زیادی ندارم\* و خیلی مختصر در موردش شنیده ام. ولی چنین کیس هایی را باید به دادگاه کشاند نه اینکه دادگاه صحرایی مجازی تشکیل داد و جنبش های سیاسی بدنبالش به راه انداخت. تعرض به زن جرم است. حتی اگر زنی مجرم را هم ببخشند، باز جزو جرم های اجتماعی به حساب می آید و جامعه نمی بخشد. ولی حتی با این وجود برای چنین پرونده هایی نیز باید نهادهایی تشکیل داد و کمک کرد که طرف شاکی، پرونده اش را از این طریق و با ارائه مستندات پیگیری کند. و من متوجه این هستم که بالاخره "نود و نه" درصد این تعرضات شاهد ندارد. برای اینکه رفتار برادر با خواهرش هم به همین شکل است، رفتار زن و شوهر و برادر و خواهر و پدر و مادر هم همینطور است. چند دفعه پدر و مادرها به دخترانشان گفته اند که اینطوری رفتار نکن و لباس نپوش و مثل "فاحشه" ها بیرون نرو! خب این هم یک نوع تعرض جنسی است که از طرف خانواده صورت می گیرد. راه مبارزه با این تعرضات این است که دنیای سوسیال مدیا را خنثی کرد. فقط با ممنوع کردن نمی توانی جلو این پدیده را بگیری، ولی با آلترناتیو درست کردن، با کمپین های اجتماعی راه انداختن بعنوان نهادهای حمایت از زنان و اعلام اینکه هر کسی شکایتی دارد به این نهادها مراجعه کند تا با پیگیری از طریق وکیل و کشاندن پرونده به دادگاه، جرم محرز شود یا اینکه طرف تبرئه شود.

اینکه اگر آقای نامجو چنین کاری کرده باشد او را به دادگاه کشاند میزان محکومیتش در دادگاه معلوم شود. اگر چنین دادگاه هایی در ایران قابل قبول نیست و یا اینکه دستت به جایی نمی رسد، در اروپا که این امکان وجود دارد! می خواهم بگویم که فشار آرن و تامین کردن این نوع حمایت ها و در عین حال مبارزه برای رفع پایه های این نوع تعرضات است که می تواند جوابگوی نیاز به این مسئله شود. بیمه بیکاری برای زنان، امنیت شغلی و ممنوعیت اخراج برای مادر شدن و یا جنسیت، و ایجاد نهادهایی در محیط های کار که اگر کسی به شما تعرض کرد بتوانید شکایت کنید، راه حل مسئله است نه اینکه اگر کسی از طرف همکارش یا همسایه اش به او تعرضی وارد شده است برود توثیق کند و در فیس بوک و دنیای مجازی ریشه خودش و خانواده و شغل و دودمانش را بر باد بدهد. ادامه دارد 10

ایجاد کرد. جوانب منفی آن این است که محدود به دنیای سوسیال مدیا و مطبوعات "عامه پسند" است که دنیای "ولنگ و بازی" است. طبعاً ما طرفدار آزادی عقیده و بیان هستیم، طرفدار آزادی بی قید و شرط بیان هستیم. ولی طرفدار بی قید و شرط تهمت زدن و افترا زدن و غیر مستند حرف زدن و سنگسار کردن و دادگاه های صحرایی راه انداختن در دنیای مجازی نیستیم.

شما الان کیسی مثل کیس جولیان آسانژ دارید که این دیوار سکوت و اختناق پنتاگون را شکست و واقعیتی را جلو چشم همه مردم دنیا گذاشت، که ببینند که اینجا چطور اینجا و آنجای دنیا نقشه قتل عام مردم دنیا را می کشند. او را به زندان انداخته اند و الان صدایش کمتر منعکس می شود. برای اینکه اگر ما انعکاس این صدا را فقط در دنیای مجازی ببینیم، دنیای مجازی چیزی بیشتر از این نیست!

زندگی اجتماعی و نهادهای اجتماعی تماماً آن چیزی نیست که ما در سوشیال مدیا می بینیم. البته باید از سوشیال مدیا استفاده کرد، ولی محدودیت هایی دارد که شما اگر بخواهی این سوخت و ساز را در دنیای مجازی راه بیندازید، فقط یک بازار قبیله ای و لشکر کشی های شخصی و انتقام کشی های شخصی راه انداخته اید که هر چیزی از آن در می آید به جز صدای آن دختر بچه ای که در ایران باید بتواند بگوید "می تو" و یا آن زنی که در هندوستان و دیگر جاهای دنیا که شاید حتی حاضر نشوند به چنین فضایی پا بگذارند. این باعث می شود که به جنبشی ضد خودش تبدیل بشود و اتفاقاً می تواند باعث ایجاد نا امنی برای زندگی زنان شود که تا کسی بخواهد در این رابطه حرفی بزند، از ترس خانواده و "آبرو" و غیره نتواند حرفی بزند. اگر کسی فکر می کند که این لشکر کشی ها و دادگاه های صحرایی برگزار کردن خیلی "رادیکال" است و هر چی دلش خواست می تواند بگوید، از جنس همان اتفاقاتی که برای "شاهزاده" انگلیس هم اتفاق افتاد و در زیر فشار افکار عمومی مجبور به ترک سلطنت شد! به این فکر کنید که معلمی که در ایران است و مورد چنین تعرضی قرار بگیرد چطوری می تواند کمر راست کند. زندگی و دودمان و کار و شغل و بچه اش را همگی فدای یک جمله زن ستیزانه مزخرف\*\* کردن، چه ربطی به عواقب جرمی دارد که کسی مرتکب شده باشد.

و همه اینها در بازار آزاد دنیای مجازی فراوان است. در نتیجه نه عدالت را می توان در سوشیال مدیا دنبال کرد و نه حقیقت را. بلکه باید نهادهایی در جامعه برایش درست

حد بود و بیشتر از این هم کاری از دستش بر نمی آید و اتفاقاً اگر تا جایی که به جوامعی مثل ایران و جوامعی که بی حقوقی زن به شکل قانونی نهادینه شده است بر گردد، گفتن اینکه شرم تو نیست اگر کسی به شما تعرض کرده باشد و آگاه گری کردن و زشت و زمخت و قبیح دانستن این رفتار، دست آورد بزرگی است. و همینقدر که شما بتوانید قبح این مسئله را در یک سطحی نشان بدهید و بتوانید آن را به جلو صحنه بیاورید و در عین حال، کشاندن این مساله به سطحی از کار عملی، که چه نهاد هایی تشکیل بدهید! و چطوری این تبعیض بنیادین شده را از بین ببرید که در سطح جامعه این نوع رفتارها آنقدر زشت باشد که دیگر کسی امکان و جرات پیدا نکند که به آن دست بزند، کار ما و جنبش ماست.

در جوامعی چون ایران، رفتاری که با حیوان می کنند قابل قبول تر از رفتاری است که با زن می کنند. شما اگر حیوانی را از زندگی نرمالش محروم بکنید همه علت آن را از شما جویا می شوند، ولی به راحتی می توان یک دختر بچه را به این بهانه که جامعه امن نیست از سوخت و ساز طبیعی زندگی اش محروم کرد. و اینها را جلو صحنه گذاشتن و اینها را قبیح دانستن و اینها را زشت دانستن، کار نهادها و مبارزه ریشه ای با تبعیض علیه زنان است که شما باید پایه های اقتصادی، پایه های ایدئولوژیکی و مذهبی و فرهنگی این نوع تعرضات را زده باشید و این تعرضات را ممنوع اعلام بکنید. جنبش "می تو" کاری بیشتر از این که انجام داده است، نمی تواند انجام دهد و اگر درست با این قضیه برخورد نکند می تواند به جنبشی برعکس خودش تبدیل شود.

**مینو همتی:** اجازه بدهید که من این سوال را مطرح بکنم که بتوان راجع به جنبه های مثبت و منفی آن صحبت کرد. همانطور که خود شما هم به آن اشاره کردید، اگر محدودیت هایی وجود دارد و یا اینکه گاهی موجب سواستفاده هایی می شود، چطور می توان تضمین کرد که از این جنبش سواستفاده نشود. با توجه به اینکه غالباً تعرض لفظی، فیزیکی و روانی در مناسبات شخصی و کاری به دور از چشمان شخص ثالث صورت می گیرد، و چگونه ادعاهای واقعی زنان علیه این تعرضات می تواند قربانی فاقد مدارک و شواهد و مسائل دیگری نشود؟

**ثریا شهابی:** فکر کنم راجع به جوانب مثبت آن صحبت کردیم. اینکه این جنبش توانسته خراشی ایجاد کند و این دیوار را بشکند و این احترام و ارزش معتبر و والایی که این نهادها دارند را برملا کرد و در این سطح امکانی

**قتل هایی که بوی خانواده می دهند!**  
شهره رضایی



قتل «بابک خرم‌دین»، کارگردان سینما به‌دست پدر و مادرش در اکیاتان خبری که در صدر خبرها بود. من به شخصه کارهای هنری بابک خرم‌دین را نمی‌شناسم و با آن آشنا نیستم تنها چیزی که از در اینترنت سرچ کردم کمی اطلاعاتی که از او بدست آوردم اینکه بابک خرم‌دین 47 ساله بود و مدرک کارشناسی ارشد سینما از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران بود. امروز خواندم که توسط پدر و مادرش مثله شده و در سطل آشغالی در اکیاتان گذاشته‌اند. پدر و مادر! اول داروی بیهوشی به او می‌خورانند و بعد با ضربات چاقو کشته و بعد مثله اش می‌کنند و به سطل آشغال می‌اندازند!

یک هفته ی پیش هم فردی بنام علیرضا فاضلی منفرد، جوان همجنس‌گرای اهوازی توسط اعضای خانواده خود به دلیل نفرت آنان از همجنس‌گرایی به نحوه ی فجیع به قتل رسید. برادر و پسرعموهای علیرضا ابتدا او را با ضرب گلوله می‌کشند و سپس سرش را می‌برند. پیکر بی‌جانش را زیر درخت نخلی رها کرده و به مادرش تلفن می‌کنند و محل جسد را خبر می‌دهند.

طبق گزارش پلیس آگاهی ایران، از وقوع ۶۴ مورد فرزند‌کشی در ۹ ماه اول سال ۱۳۸۷ خبر می‌دهد و در یک آمار رسمی، قتل‌های خانوادگی در سال ۱۳۸۶ از ۵/۴۱ درصد در سال به ۷/۵۱ درصد رسیده است. ۱۵٪ از قتل‌های خانوادگی به فرزندکشی اختصاص دارد و ۸۰٪ این قتل‌های خانوادگی درون خانه رخ داده است.

قتل هایی که تنها در حد یک خبر منتشر می‌شود و بعد از یکی دو هفته به فراموشی سپرده می‌شود. جامعه ای که علاوه بر غرق شدن در مشکلات، اقتصادی، فقر و فلاکت، گرانی، بیکاری و ... که با آن دست به گریبان هستند. بسیاری از این قتل‌ها عامدانه به هیچ انگاشته می‌شود. زیرا همجنس‌گرایی از نظر

بخش وسیعی از تفکرات ارتجاعی، قبیح و ناپسند خوانده می‌شود علاوه بر آن بسیاری از قتل‌های ناموسی چشم پوشی می‌کنند زیرا این حق را بر خانواده بعنوان حفظ آبرو، غیرت و ناموس محترم می‌شمارند.

طبق قانون مجازات اسلامی با اقتباس از فقه امامیه، پدر و جد پدری را در صورت قتل فرزند از مجازات قصاص معاف کرده و این حکم را به مادر سرایت نداده است. طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی در قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱، هر گونه فرزندکشی توسط پدر یا جد پدری را مانع ثبوت قصاص دانسته و نهایتاً وی را مستحق تعزیر از ۳ تا ۱۰ سال اعلام کرده است.

در مورد اقلیت‌های جنسی، طبق همین قوانین شرع و دین ارتجاعی، در ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی آمده است حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه و یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت، صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.

آنچه که مسلم است و حکومت‌ها از آن سود می‌برند باد زدن به تنور، خانواده و مقدس شمردن حفظ و کرامت خانواده است. چرا که دولت‌ها قوانین عقب مانده و هر آنچه که با دین و اسلام شان مغایرت داشته باشد با شکل قانون تصویب کرده و افراد خانواده با عنوان پدر، برادر، شوهر، مادرو... بعنوان مجریان احکام ننگین شان بدون هیچ دردسر و مسئولیتی برای حاکمان و دولت‌ها به اجرا درمی‌آید.

" آنکه می‌خندد، هنوز خبر هولناک را نشنیده است" برتولت پرشت  
امروز فقط حرفهای احمقانه بی‌خطرند  
گره بر آبرو نداشتن، از بی‌احساسی خبر می‌دهد،  
و آنکه می‌خندد، هنوز خبر هولناک را نشنیده است.  
این چه زمانه ایست که  
حرف زدن از درختان عین جنایت است  
وقتی از این همه تباهی چیزی نگفته باشیم!  
کسی که آرام به راه خود می‌رود گناهکار است  
زیرا دوستانی که در تنگنا هستند  
دیگر به او دسترس ندارند./





تراژدی خودسوزی  
سحر بابا سلجی



اخیرا طبق شنیده ها در رسانه یک جوان کرد اهل بوکان در اربیل واقع در کردستان عراق دست به خودسوزی زد و جانش را از دست داد طی سالهای نه چندان دور ما همواره از

این قبیل اخبار تلخ و دردناک در رابطه با پروسه سخت و طاقت فرسای پناهندگی که اینگونه افراد پناهجو در مقابل بی توجهی سازمان های پناهندگی UN دست به خودکشی میزنند، شنیده ایم حقیقتا در این دنیای سراسر ظلم و بیعدالتی چرا باید ما شاهد شنیدن چنین اخبار تلخ و تکان دهنده ای باشیم که دست اندر کاران کمیساریا پناهندگی در اقلیم کردستان در اربیل در مورد بهزاد محمودی نه تنها طی چهار سال به پرونده پناهجویی او رسیدگی نکرده اند و وضعیت راکد و بلا تکلیف داشته بلکه در زمان وقوع حادثه اطرافیان و خبر نگاران با وقاحت و بیشرمی تنها نظاره گر این اتفاق بوده تا او را سرتیتر خبرهای مهم خود در نظر داشته باشند و چه بسا با اقدام به موقع و ممانعت از آن اتفاق هولناک میتوانستند، به موقع جلو خود سوزی ایشان را بگیرند که باعث رویداد چنین حادثه ای وحشتناکی نشود. افسوس و صد افسوس چه در کشور یونان و

به مناسبت روز جهانی ... ادامه ی صفحه 3

روز جهانی بهداشت قاعدگی در افغانستان در حالی تجلیل می شود که هنوز همه ای زنان از بهداشت قاعدگی آگاهی لازم را ندارند و حتا از مشکلات روانی ناشی از قاعدگی رنج میبرند .

زنان و مردان از نظر تفاوت های فردی از هم متفاوت اند و تحت شرایط مختلف رفتار های متفاوتی از خود نشان میدهند .

باید بدانیم همه ما، تحت تاثیر هورمون ها زندگی می کنیم، غم و شادی، هیجان و استرس های ما همه و همه تحت مدیریت هورمون های مختلفی قرار دارند که در بدن انسان ترشح می شوند. کوچکترین تغییر هورمونی آثار خود را در خلق و خوی انسان بر جای می گذارد، زنان همچنان در دوران قاعدگی، بارداری و یائسگی با نوسانات هورمونی مواجه هستند .

به دلیل اینکه هورمون ها تاثیر مستقیم بر مغز انسان می گذارند همه ای زنان نوسانات هورمونی را تجربه می کنند، اما تمام آن ها خلق افسرده را تجربه نمی کنند. در نتیجه دلایلی در این زمینه تاثیرگذار هستند که می تواند اثر نوسانات هورمونی را تعدیل کنند و از افسردگی جدی جلوگیری نمایند.

نوسانات هورمونی دوران قاعدگی، بارداری و یائسگی منجر به افسردگی می شوند، گفته می شود ۱۰ الی ۱۵ درصد زنان و دختران بالغ، روزهایی از ماه را به شدت با عصبانیت ، زودرنجی، پرخاشگری و یا افسردگی سپری می کنند. آنها در این ایام ممکن است حتی به خشونت فیزیکی و کلامی روی بیاورند یا در

مواقع حاد به خودکشی فکر کنند و افکار مخرب را در ذهن خود جا بدهند.

شاید اطرافیان آنها در این گونه مواقع، دچار نارضایتی های عمیق می شوند چون از شرایط پیش آمده ای آنها آگاهی لازم را ندارند آنها ممکن است از در تقابل با این زنان و دختران برآیند و سطح تنش را به شدت بالا ببرند حتا ممکن است از آنها دوری نمایند و یا به نصیحت کردن آنها بپردازند .

اما خوشبختانه این وضعیت چند روز بیشتر طول نمی کشد و این زنان و دختران دوباره به چرخه زندگی روزمره خود بر می گردند؛ مانند قبل خوش برخورد و اجتماعی می شوند و رفتارهای متعارف خود را از سر می گیرند.

اگر شما زن یا دختری در سن بلوغ هستید، خواهر یا دختری در سن بلوغ دارید یا مردی متأهل هستید این نکته علمی را بدانید که زنان در آستانه ای عادت ماهانه، دچار دگرگونی های روانی می شوند؛ اکثر آنها این مرحله را به خوبی از سر می گذرانند ولی بعضی از آنها روزهای پرتنش و سراسر استرسی را میگذرانند که این مسأله نتیجه واکنش های شیمیایی در بدن زنان و دختران است .

برای اینکه بتوانیم وضعیت را بهتر مدیریت کنیم و از تنش های بزرگ تر در حوزه خانواده و محیط کار جلوگیری گردد در گام نخست خانم ها تقویم دقیق عادت ماهانه ای خود را باید به یاد داشته باشند و بدانند که در روزهای نزدیک قاعدگی، ممکن است دچار تنش های متفاوتی شوند. بنابراین بهتر است در برنامه ریزی زندگی شان، مسائل حساس و استرس زا را به ایام دیگری واگذار کنند .

همچنین این موضوع را با نزدیکان خود شریک سازند تا از سوء تفاهم های بعدی جلوگیری گردد. خانم های عزیز به یاد بسپارند که درمان های

ترکیه نیز بسیاری از پناهجویان پشت در های بسته مانده اند به سودای رسیدن به کشوری امن با بسیاری از مشکلات دست و پنجه نرم می کنند.

وحال پس از این اتفاق ناگوار بسیاری از مردم اربیل در مقابل دفتر سازمان ملل دست به تحصن و حرکت اعتراضی زده اند که باید گفت فقط نوش دارو پس از مرگ سهراب است و بس،.

کوتاه سخن اینکه در برابر اینهمه ظلم و بیعدالتی باید ایستاد که اتفاقاتی این چنین تلخ دوباره تکرار نشود، مسؤل ومسبب این حادثه فقط جمهوری خونخوار اسلامی است که کماکان با تداوم جنایتهای خود ظلم و اینچنین نا امنی را برای بسیاری از پناهجویان بلا تکلیف و سرگردان به ارمغان گذاشته است. که با دستگیری و زندان مردم کردستان زندگی آنان را نا امن و پر مخاطره کرده است./

خانگی همیشه کار ساز نیستند، خانم هایی که دچار تنش های روحی شدید در ایام نزدیک به قاعدگی می شوند، بدون این که فکر کنند روانی و عصبی هستند، در اولین فرصت به یک داکتر متخصص زنان یا متخصص هورمون مراجعه نمایند.

زنان از نظر روانی در ایام قاعدگی به همراهی و همدلی بیشتری نیاز دارند. مردان باید بدانند که برخی رفتار های عصبی خواهر، دختر، مادر و یا همسرشان ناشی از تغییرات هورمونی و تنش در مدار های مغزی شان است که به هیچ وجه عمدی نمی باشد.

بنابر این از مجادله و درگیری با آنها خودداری گردد و اجازه دهند این ایام با آرامش سپری شود. همه میدانیم که زنان یکی از گروه های حساس بهداشتی اند، سلامت جسمانی و روانی آنها سلامت خانواده و متعاقبا سلامت جامعه را تضمین می کند. زنان سالم می توانند فرزندان سالم را به جامعه تقدیم نمایند و مادرانی خوبی برای فرزندان خود باشند. بهتر است از دریچه ای مهربانی با درک تفاوت های فردی به این پدیده ای طبیعی نگاه شود .

زنان افغانستان به آگاهی دهی، حمایت برای بهداشت قاعدگی و سلامت روانی خود نیاز دارند. مردان باید برای دختران خود مسائلی مربوط به سلامت روانی و بهداشت قاعدگی را آموزش بدهند و معلمان مکاتب در تلاش تربیت دختران قوی و سالم باشند .

در نتیجه مباحث مربوط به سلامت روانی و بهداشت قاعدگی زنان در اولویت مباحث گوناگون جنسیتی زنان قرار گیرد. سلامت روانی زنان قرن هاست که موضوع مورد تأمل و تفکر واقع شده است زنان نیمی از جمعیت هر جامعه ای بشری را تشکیل میدهند و در عین حال پرورش دهنده همه افراد جامعه هستند باید در محور توجه و حمایت قرار داشته باشند./

آن ضمن اینکه "ضریب تحملش" نسبت به تعرض لفظی و جنسی به زنان "صفر" است، ولی این به این معنی نیست که می توان دادگاه صحرایی برگزار کرد.

**مینو همتی:** ممکن است برخی از منتقدین از صحبت های شما اینطور برداشت کنند که شما در مقابل مطرح شدن چنین کیس هایی بی اعتنا هستید، یا اینکه شما را متهم کنند به اینکه طرف مقابل قربانی را گرفته اید و جانبدارانه قضاوت می کنید. پاسخ شما به این دسته از منتقدین چیست؟

**ثریا شهابی:** طبعاً کسی اگر بخواد می تواند چنین برداشتی بکند. همانطور که وقتی در دوران انقلاب ۵۷ گفتیم آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، به ما می گفتند که شما لیبرال هستید، شما طرفدار آزادی عقیده و بیان سلطنت طلب ها و مفسدین فی الارض و بقیه هستید. آزادی عقیده و بیان برای خودمان آری، برای دشمنانمان نه! اعدام برای خلق ممنوع است و برای دشمنانمان نه! عدالت فقط برای خود! طبعاً دفاع شما از معتادین می تواند تبدیل شود به دفاع شما از "اعتیاد"! حقوق معتادین به این معنی که اعتیاد جرم نیست و باید مداوا شود. یا اینکه صحبت از حقوق متهمین، تبدیل شود به دفاع از جرم! اینها در کنوانسیون های جهانی نوشته شده اند. بعد از اینکه اسیر را اعدام می کردند، بعد از دو تا جنگ جهانی که کشتار وسیعی علیه متهمین صورت گرفت. اینکه شما متهم هستید به دلیل رنگ پوست، جنسیت یا افکار و عقایدتان فجایع انسانی به بار آورد. حقوق متهمین و مجرمین از دستاوردهای بشریت است. کسی که به نظر من اینقدر تنگ نظر است و مبنای عدالتش انتقام جویی و قصاص است، از جنس عدالت خواهی اسلامی، طبعاً می تواند تأکید شما بر ضرورت پرنسیب های انسانی و پرنسیب های متمدنانه که همگی متکی به دستاوردهای بشریت امروز است را به دفاع از زن ستیزی و دفاع از تجاوزگر و دفاع از اعتیاد و دفاع از مجرم "ترجمه" کند.

ما طرفدار اعدام نیستیم. ما طرفدار حبس ابد نیستیم. در این سوسیال مدیا متهمین را از شغل و کار و زندگی و همه چیز طرد کردند. در مورد کیس آقای نامجو بیشتر از اینکه تعرضی لفظی کرده باشد که البته خیلی هم قبیح بود و باید قبح مساله اینقدر باشد که خودش شرم بکند و به نظرم همینقدر هم کافیتست، چیز بیشتری راجع به آن کیس مشخص کسی هنوز نمیدانند! اما اینکه چنین فضایی و چنین میدانی چه ربطی به عدالت و امنیت زنان دارد، در خود "سوال باز" ی است. سوالی که میتوان در مورد آن جداگانه

داشته باشد، شما باید قانون را به شکلی بگذارید که متهم تا وقتی که جرمش ثابت نشده است بی گناه است. شما در صحبت هایتان به اولاف پالمه اشاره کردید و اینکه تا زمانی که جرمی ثابت نشده حتی اسم قاتلش و یا اینکه رنگین پوست است یا نه را در جایی به زبان نیاوردند. بخاطر اینکه نمی خواهند مردم را تحریک کنند، نمی خواهد سفید پوستان را علیه سیاه پوستان یا "داخلی ها" را علیه خارجی ها تحریک کنند. تا اینکه دادگاه به نتیجه برسد. قانون را بخاطر اکثریت نمی نویسند، قانون را به این خاطر می نویسند که اگر اتهامات وارد شده به کسی حتی اگر یک در میلیون مبنای واقعی نداشته باشد، که بعید هم نیست. اصل را باید بر برائت متهم گذاشت و اینکه خیلی جاها طرف اصلاً متوجه خطایی که انجام داده است نیست. یا اینکه حتی نمیدانند که این رفتار درستی نبوده است و نمی داند که تعرض لفظی و متلک گفتن می تواند ما به ازایی برایش داشته باشد. خود این ماجرا تغییری در زشت بودن تعرضی که صورت گرفته است نمی دهد ولی طرفی که می گوید من کاری نکرده ام یا واقعا متوجه قبح مسئله نیست و یا اینکه دروغ می گوید. ولی شما بالاخره پرنسیب هایی دارید که نباید از آن عبور کنید و قانون را نه بر مبنای انتقام کشی و نه تلافی کردن و نه کیس های علی العموم و بلکه بر مبنای کیس های نادر می گذارید.

مبنای عدالت شما باید این باشد که جامعه را امن کنید و فرد خاطی به تناسب جرمی که مرتکب شده است مسئولیت اعمالش را بپذیرد. کسی که متلک یا لیچاری گفته باشد و یا اینکه رفتار جنسی قبیحی داشته است را که نمی توان اعدام و حبس ابد کرد. نمی توان از شغل و زندگی و همه چیز محرومش کرد. این انتقام کشی است. مبنای عدالت انتقام کشی نیست، بلکه امکان بازگشت به جامعه است.

به هر حال اگر به سوال شما برگردم این اتهامات می تواند واقعی باشد. ولی اتهام هر چه که باشد نمی توان کسی را با صرف متهم بودن، محکوم کرد تا وقتی که جرمش ثابت نشده باشد. در نتیجه باید به صحبت های کسی که اتهاماتش را رد می کند گوش کرد، باید مدارکی له یا علیه متهم جمع کرد و به دور از تحریک افکار عمومی در دادگاهی که نه قربانیان، بلکه یک عدالت بی طرفانه در موردش تصمیم می گیرد، و چارچوب

هزار و یک کار در این رابطه در دنیای واقعی، میتوان انجام داد. دنیای سوسیال مدیا را نمی توان محدود کرد و نمی توان برای آن مقررات گذاشت. ما طرفدار آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان هستیم. جامعه باید "ضریب تحملش" نسبت به تعرض به زنان و بی احترامی های لفظی و جنسی به زنان صفر باشد، منتهی اینکه با این "ضریب تحمل صفر" چکار می خواهد بکند بحث دیگری است.

این نوع هیجانانگیز تحریک آمیز مخرب که فرض کنید می خواهد معتاد را دار بزند، یا اینکه مجرم را حبس ابد و اعدام بکند، و یا مثل "غرب وحشی" همینکه کسی متهم می شد همه صف می کشیدند و فریاد میزدند که "دارش بزنند"! شما در چنین فضایی صدای هیچگونه حقیقت و عدالتخواهی را نمی شنوید. و متأسفانه ما در بعضی از این نوع کیس ها شاهد چنین برخوردهایی هستیم. به هر حال نمیدانم چقدر به سوال شما پاسخ دادم یا نه ولی جوانب مثبت این تحرک همین بوده که توانسته این مسئله را باز کند و از جوانب منفی آن می توان به این اشاره کرد که این تحرک محدود به سوسیال مدیا شده است که در آن دادگاه سوشیال مدیا، شاهد سوسیال مدیا، قاضی سوسیال مدیا، و مجری قانون هم سوسیال مدیاست!

**مینو همتی:** ثریا شهابی؛ ضمن اینکه برای بخش اعظم زنان صحبت کردن از تجربه های شخصی مورد تعرض قرار گرفتن تابو است، آیا این ادعا که برخی از این شکایات مبنای حقیقی ندارند و از طرف مردانی که متهم شده اند مطرح شده است، چقدر می تواند میدان داشته باشد؟

**ثریا شهابی:** ببینید؛ وقتی که فرض را بر این بگذاریم که این رفتار به داده جامعه تبدیل شده است. خودمان را بعنوان کسانی که یک عمر علیه عقاید و ارزش های زن ستیزانه مبارزه کردیم به کناری بگذارید، می توان به جرات گفت که نود و نه درصد این اتهامات مبنای واقعی دارند. کدام دفعه شما بعنوان یک زن از یک خیابان رد شده اید و بغل دستی اتان متلکی یا لیچار جنسی به شما نگفته است و یا اینکه نخواست به شما تعرضی به شما بکند. در نتیجه این اتهامات واقعیه! و انعکاس بیان واقعیت تلخی است که در جامعه هست. ولی حتی بخاطر یک در میلیون اپسیلون هم اگر امکان دارد که واقعیت نداشته باشد و پشت آن انتقام کشی و خرده حساب شخصی وجود

توهین و اظهار نظر و ارزیابی و تجزیه و تحلیل های مردسالارانه!

پس از انتشار دومین نوار، که گفته شده خصوصی بوده، موجی از افشاگری از آقای نامجو و رفتار ش براه می افتد! از من می خواهید که در این مورد اظهار انزجار کنم و به صف کسانی بپیوندم، که به سوی متهمی که به درجه ای از جرم (نه تجاوز) علنا اعتراف کرده است و امروز عده ای به اتکا آن و به اتکا بددهنی ها و لیچارگویی های مردسالارانه، برای متهم پرونده تجاوز پیش کشیده اند! چرا باید به این صف بپیوندم؟ به این دلیل که متهم نشوم که “ضریب تحمل” ام در مقابل تعرض به زنان “صفر” است! آنهم با رجوع به مدارکی که در هیچ دادگاهی نمی تواند مبنایی برای صدور حکم تجاوز باشد!

اجازه بدهید یک مثال کمی “اکستریم” بزنم. تا شاید به این شکل بتوان سایه روشن تفاوت نگرش ها را، که میتواند کمرنگ شده باشد را پررنگ تر کرده باشم. انتظار اینک من بیش از آنچه که در مصاحبه گفته ام، از رفتار متهم “ابراز انزجار” کنم و در مورد ارزشهای مخرب و هولناک مطرح شده صحبت کنم، مثل این است که: شما در یک داستان “غرب وحشی” شاهد هستید که متهم ی را در مقابل اجتماعی تحریک شده و در مقابل چوبه دار قرار داده اند! هنوز پروسه بررسی و دادگاه به انتها نرسیده و ... متهم به درجه ای از جرم اعتراف کرده است. اما نگفته است که آدم کشته است! در عین حال همه دستهای قرمز و “خونین” او را مشاهده میکنند! دستهایی که معلوم نیست از کجا قرمز و خونین شده است! در این صحنه جمعیت به هیجان آمده متفرق از جرم و “آدم کشی” و ... فریاد میزنند که “سرش را بر دار” کنید! و همه به طرف ش سنگ پرتاب میکنند! برای کسانی چون من که در این صحنه تحریک شده و به هیجان آمده است، برای دار زدن متهم به میدان آمده است، چیزی نمی بینیم که نشان عدالت و شاهد و مدارک روشن و کافی برای یک دادگاه متوسط متمدن باشد، برای همرنگ جماعت شدن، برداشتن سنگی و پرتاب به سوی او، خارج از موضوع است. صحنه بهم ریخته تر از آن است که عکس العمل شما علیه جلوه های زشت این و آن گوشه کیس، در جای درستی قرار بگیرد. برعکس حتما هیزمی خواهد شد بر آتش هیجان در صحنه! قضاوت در چنین دادگاههای عقب مانده مبتنی بر تحریک و انتقام جویی، نمی تواند کمترین نشانی از عدالت داشته باشد. من در چنین کیس هایی لازم نمی دانم فاصله ام از

چگونه با چنین قطعیتی در مورد نادرست بودن برخورد شاکیان و منتقدین رفتار ایشان در دنیای مجازی، اظهار نظر میکنید؟  
**ثریا شهابی:** من اطلاع زیادی ندارم! فکر نمی کنم سایرین که بسیار قاطع اظهار نظر کرده و محکوم کرده اند و احکام باید طرد شود و طرد کنید و .. داده اند هم، اطلاع زیادی داشته باشند! آنچه که در فضای سوشیال میدیای است، بخش اعظم آن “ادعا” “claim” یا “allegation” است! که میتواند کاملا واقعیت داشته باشد و یا نداشته باشد. من نه خودم و نه سایرین را با توجه به “فاکت” هایی که در میدیای اجتماعی هست، که بخش اعظم آن “ادعا” “است” و “مدعی” ها غیر قابل ردیابی و برای ادای شهادت در هیچ محکمه واقعی غیرقابل احضار هستند، در مقام و موقعیتی نمی بینم که بتوان به اتکا آن اعلام کرد که شواهد و مدارک کافی دال بر “تجاوز” و “تعرض” و ... موجود است. تا امروز متهم ممکن است مجرم باشد یا نباشد! من نمی دانم و فکر می کنم بقیه هم نمی دانند!

**\*سوال ۲-:** شما در مصاحبه تان الفاظ زشت و ضدزن و اظهارات و بیانات آقای نامجو را، که دنیایی را برآشفته کرده است، به گفتن “یک جمله زن ستیزانه مزخرف” کوچک نمایی کرده اید! در حالی که هر کلمه از اظهارات ایشان، مملو از فرهنگ مردسالار، تحقیر زن و نشان خودشیفتگی ایشان است. این فاکت ها، صدای خود آقای نامجو است! شما چگونه به این سادگی از کنار آن میگذرید! با آن احساس راحتی میکنید!  
**ثریا شهابی:** تا جایی که من در فضای مجازی شنیده ام، آقای نامجو اعترافی دال بر رفتار جنسی آزاردهنده ای، بطور کلی کرده است و معذرت خواسته است. شاکی خصوصی به دلایل معینی حضور ندارد! این دلایل را نه من و نه سایر خوانندگان میدیای مجازی نمی دانیم چی است! تا همین جا شما با این کیس کار خاصی نمی توانید بکنید. معذرت خواهی شده است و بنظر من قبح و زشتی رفتار کاملا در مقابل چشمان جامعه قرار گرفته است! پس از این، نوار دیگری که گفته میشود مربوط به مراودات خصوصی ایشان است، پخش شده است که در گفتگویی مبهم و یک طرفه، که معلوم نیست طرف مقابل چه کسی است و چه گفته است و نگفته است، ایشان مقدار زیادی توهین و اظهار نظرهای مردسالارانه کرده اند. ایما و اشاره به اسامی، آنقدر زیاد است که اگر کسی از نزدیک حیطه دوستان ایشان را شناسد، متوجه نمی شود که در مورد چه کسی صحبت میشود. فقط مقدار زیادی

به تفصیل صحبت کرد. اما در حد کیس مورد نظر ما، مطمئن باشید از فردا دیگر کمتر زنی جرات می کند از تعرضات جنسی وارد شده به خودش، به این شکل و توسط چنین کمپین هایی، صحبت کند. برای اینکه می بیند قبل از اینکه جرم متهم اثبات شود و دادگاه برایش حکم صادر کند، ابعاد شکایت به هرکجا حضار و جمعیت مشتاق در دنیای مجازی بخواهند، کشیده میشود و انواع کیس های “خودساخته” بدون پشتوانه طرح میشود که میتواند همه خانواده و دودمان متهم را، در دادگاه های سوسیال میدیا بر باد دهد و متهم و خانواده اش را از کار و زندگی ببیند.

در نتیجه می توانند بگویند رویکرد من جانبدارانه است! که به نظرم این طرز تفکر ها از جنس عدالتخواهی عدالت اسلامی است که قصاص می کند و مبنای عدالتش بیشتر انتقام کشی است تا ایجاد امنیت و امکان تصحیح و برگشتن به زندگی نرمال برای مجرم! من فکر می کنم اگر کسی که بی غرض و مرض باشد و اگر خودش را جای هر کدام از آن قربانی ها، به جای شاکی های واقعی و متهم بگذارد، به نظرم به ما حق می دهد. و حق می دهد که باید مستدل جرم را ثابت کرد و باید از حقوق قانونی مجرم دفاع کرد و این به معنی دفاع از جرم نیست. دفاع از حقوق انسانی مجرم دفاع از جرم نیست بلکه راه انسانی و متمدنانه در مقابله با جرم است اگر جرمی صورت گرفته است!

**مینو همتی:** با سپاس فراوان از شما ثریا شهابی عزیز. در ادامه این بحث ها صحبت های زیادی می توان کرد راجع به اینکه چطور می توان این فرهنگ را تغییر داد و چه تأثیراتی می توان بر روی آن گذاشت و همانطور که شما به آن اشاره کردید کمپین هایی سازمان داد و از وکلایی که در رابطه با حقوق زنان فعالیت می کنند کمک خواست که بتوان سمت و سویی داد به اینگونه مسائلی که پیش می آید. امیدوارم که بتوانیم در برنامه های آتی به این مساله بیشتر بپردازیم و همچنین خیلی سپاسگذارم که در این برنامه شرکت کردید.

**ثریا شهابی:** متشکرم از وقتی که به من دادید. من هم فکر می کنم امن کردن محیط کار و زندگی زنان به طور کلی و به خصوص در ایران جوانب خیلی وسیعی دارد و امیدوارم که در فرصت های بعدی بتوانیم راجع به آن بیشتر صحبت کنیم.

\*\*\*\*\*

**پاسخ به برخی سوال ها و اظهار نظرهای دریافت شده:**

**\*\* سوال ۱:** شما میگویید که از کیس آقای نامجو اطلاع زیادی ندارید! با این وجود

فرهنگ مردسالار و ضدزن را به این شکل ثابت کنم. اگر کسی این را به حساب "عدم حساسیت" من میگذارد و نه "رویگرد متفاوت"، به نظرم نشان برخورد صمیمانه برای درک رویکرد من نیست.

**سوال ۳-** خیلی ها بعد از افشا نوار صوتی محسن نامجو شک اشان به یقین تبدیل شده است و بر همین اساس می گویند که تا زمان اثبات جرم باید این خواننده را بایکوت کرد. حتی مثال می آورند که در خیلی از جاهای دیگر دنیا که اتفاق مشابهی افتاده است و تا روشن شدن نتیجه دادگاه متهم را بایکوت کرده اند و بر همین اساس نباید از متهم حمایت کرد. به نظر شما و با توجه به صحبت های نامجو در فایل صوتی افشا شده این روند درستی در برخورد با فرد متهم است. اگر نه چگونه باید باشد؟

**ثریا شهابی:** اجازه بدهید ابتدا در مورد فضای رسیدگی به چنین اتهامات و جرم هایی در اروپا و آمریکا، که به درجه ای دسترسی به قانون و ضوابط مترقی قضایی در سیستم های حکومتی وجود دارد، صحبت کنیم. و در ادامه به مورد ایران، و شرایط بی حقوقی مطلق سیستماتیک و قانونی زن، بپردازیم.

در جواب به کسانی که بقول شما بعد از پخش نوار صوتی "شک اشان به یقین تبدیل شده است" و خواست آنها که "تا زمان اثبات جرم باید این خواننده را بایکوت کرد!" اجازه بدهید پیش از پرداختن به آنچه که شما به آن اشاره کردید یعنی "جاهای دیگر دنیا که اتفاق مشابهی افتاده است" و کیس های مشابه "بایکوت" شده اند و در مورد "چرایی" در ادامه صحبت کنم. ابتدا از نظر خودم بدیهیات و پرنسیپ هایی را توضیح دهم.

پاسخ روشن و اصولی من این است که: برای من بعنوان یک فعال سیاسی، یک کمونیست و مارکسیست متشکل، که جدال هایش نه شخصی و فردی که اجتماعی و متشکل است، هر چند که نقد های بسیار کوبنده هم به گفتارها و رفتارهای زن ستیزانه آشکار این و آن شخصیت سیاسی و فرهنگی و ... داشته باشم، صدور هرگونه حکم و در هر سطحی "مجازات قضایی" از جمله "بایکوت شغلی" که به معنی لغو قرار داد کاری و .. است تا "روشن شدن پرونده"، که بعلاوه معلوم نیست به چه مدتی است، تماما خارج از موضوع است.

مهمتر اینکه صدور چنین حکم "انضباطی" در حق یک "متهم" که پروسه رسیدگی به جرمش به سرانجام نرسیده است، خلاف اعتقادات من و برنامه ای است که من برای تحقق مطالباتش مبارزه می کنم. در برنامه سازمان و حزب من، در "برنامه یک دنیای

اما در مورد کیس های مشابه در کشورهای اروپایی و آمریکایی! مقدمتا لازم است فراموش نکنیم که حتی در پیشرفته ترین کشورهای جهان قرن بیست و بیست یک هم، در پیشرفته ترین جوامع با متمدنانه ترین قوانین قضایی و اداری، عدالت و سیستم قضایی انعکاسی از مناسبات اقتصادی و اجتماعی نابرابر در این جوامع است! جایی که عملا زور پول و قدرت مالی، مردسالاری و مذهب، خرافات و تابوهای که به نام "فرهنگ" و "سنت"، "ترم" و "مقدسات" مرتب بازتولید میشود، میتواند هر قانون پیشروی را "دور بزند" و دسترسی به "حق قانونی" را از دسترس اکثریت شهروندان دور نگاه دارد. میتواند بخش های "ضعیف" نگاه داشته شده جامعه، زنان، تهی دستان، اقلیت های نژادی و جنسی و بخش های آسیب پذیر چون کودکان را به سادگی قربانی کند.

در چنین جوامعی، علاوه بر کیس های "معمول" و "زایج" خشونت علیه زنان و کودکان، در مقاطی شما شاهد علنی شدن خشن ترین کیس های سواستفاده جنسی از زنان و کودکان هستید. شاهد لیست بلند بالایی از شکایات علیه کشیش ها، دیپلمات ها، سلبرتی ها و "زل مدل ها" (الگو عمل) ها، هستید که در برخی مواقع دهها سال پرونده شکایات باز مانده و گاهی شکایت "پس گرفته" شده است یا جرم بهر دلیل "ثابت" نشده است. بسیاری مشغول حفاری شواهد و مدارک این جرائم از اعماق تاریخ جوامع پیشرفته در غرب هستند.

شواهد و مدارک علیه یکی از کیس ها چون هاروی واینستین، آنقدر زیاد و علنی است که قدرت مالی و مافیای هنری او قادر نشد آن را بپوشاند و در دادگاه به بیش از بیست سال زندان محکوم شد. اما رئیس جمهور آمریکا "دونالد ترامپ" را به خاطر "مقام" و "قدرت"ش، کسی قادر نشد به خاطر اظهارات و "اعترافات" آشکار او دال بر تعرض جنسی به زنان، به شکل شکایتی به هیچ محکمه ای بکشاند و او را از شغل و مقامش، تکان نداد! وودی لن، کوین سپیسی، جانی دپ، مایکل جکسون و ... آشناترین نام ها هستند. برخی کیس های هرگز پس از دهها سال به سرانجام نرسیده و نمی رسند! معلوم نیست شواهد کم است یا قدرت مالی و ... قربانی را به "رضایت" کشانده است و یا متهم بی گناه بوده است!

ترس بخش پیشرو جوامع از اینکه نهادهای بالای جامعه، از نهادهای مذهبی و فرهنگی، تا نظامی و سیاسی و اقتصادی، و شخصیت های صاحب منصب این الیگارشی جهانی مالی، مذهبی، و سیاسی، دست شان در تعرض به زنان و کودکان و بخش های محروم جامعه، همچنان باز بماند! ترس از اینکه قوانین جرایم شخصی و جنایی، که در جوامع پیشرفته روی کاغذ قوانین پیشروی هستند، در عمل در مورد این طیف نه

بهتر" در بخش "موازین محاکمات" و "حقوق متهمین و مجرمین" به روشنی از جمله نوشته شده است که:

"در قوانین جزایی تعدی و تجاوز به جسم و آسایش روحی انسان ها، خشونت علیه کودکان، خشونت علیه زنان، جرائم "ناموسی" علیه زنان، جرائم ناشی از تعصب و نفرت گروهی و جرائم توأم با اعمال خشونت و ارباب باید جرائم بسیار سنگین تری در قیاس با تعدی به حقوق ملکی و اموال اعم از خصوصی و دولتی محسوب گردند. مجازات های انتقامی و باصطلاح عبرت آموزانه باید با مجازات های معطوف به اصلاح مجرم و مصون داشتن جامعه از وقوع مجدد جرم جایگزین شود."

با این وجود:  
"اصل در کلیه محاکمات بر برانیت متهم است. محاکمات باید بدور از تحریک و پیشداوری و در شرایط منصفانه برگزار شود.

ممنوعیت دامن زدن به پیشداوری عمومی نسبت به محاکمات و افراد درگیر در آن مادام که محاکمه خاتمه نیافته است.

ممنوعیت محاکمه افراد در شرایط و محیطی که فشار افکار عمومی امکان یک محاکمه بیطرفانه را سلب و یا خدشه دار کرده باشد. بدون اعلام جرم فقط ۲۴ ساعت اجازه بازداشت وجود دارد. این بازداشتگاه موقت نباید زندان باشد، بلکه بخشی از مقر نیروی انتظامی است که تسهیلات متعارف را دارد. محل محاکمه، قاضی و هیات منصفه باید به نحوی تعیین شوند که این شرایط تامین گردد."

این حداقل موازین متمدنانه ای است که ما میخوایم در فردای به زیرکشیدن جمهوری اسلامی بلافاصله بعنوان بخشی از قوانین قضایی و جزایی کشور به اجر درآید. اگر امروز که شما در قدرت نیستند، وفاداری تان به اعتقادات و پرنسیپ هایتان را زیر پا بگذارید، فردا به قدرت رسیدن هم میتوانید به آنها وفادار نمانید.

برای کسانی چون من صدور چنین احکام انضباطی و "قضایی" برای شهروندان، حتی اگر معنی فوری عملی هم نداشته باشد، ما به ازای اجتماعی - سیاسی و مسیولیت دارد. موضع کسی مثل نمی تواند از نقد و افشاگری و کار کارآگاهگرانه فراتر رود. هر وقت قدرت بدست ما بیفتد و ما نظام و قوانین پیشرو قضایی خود را فوراً به اجرا گذاشتیم، طبعاً در آن حالت موضع من بیشتر از کارآگاهگرانه، رجوع به مراجع قضایی ذیصلاح و در انتظار حکم عادلانه آنها، خواهد بود.

- تنها "گذشت" کند که کاملاً "کور" بماند، قابل درک است. این ترس و نگرانی واقعی است! ترس از به سکوت کشاندن زنان در طرح تعرض جنسی که در اغلب موارد شاهدهی ندارد و مدرکی برای اثبات آن نیست واقعی است. تعرض جنسی که چه مستقیماً با ارباب و فشار اقتصادی و خانوادگی، مذهبی و اجتماعی صورت بگیرد و چه غیر مستقیم و با تکیه به فضای عقب مانده "اخلاقی" و "تابو" سازی های جوامع مردسالار موجود که تاریخ و گسترده ای در ابعاد جهانی دارد، همه واقعی است. به این دلیل است که گفته میشود که در همه حال باید ادعای زنان شاکی را، حتی اگر مدرک و مدارک قابل ارائه ای هم وجود ندارد، شنید و آن را کاملاً جدی گرفت! با این وجود همه شکایات یکسان نیست! بعضی از کیس ها بسیار پیچیده تر از آن است که بتوان آن را در یک چهارچوب، سیاه و سفید "آنطور که ذهن، روح و روان قربانی، آنهم در مناسبات شخصی ترسیم میشود، گنجاند و در موردشان به قطعیت قضاوت کرد. هر چند کیس های پیچیده و "غیر قابل اثبات" و .. تعدادشان نادر باشد، باید موازین یک بررسی عادلانه را، در همه حال، کاملاً رعایت کرد.

#### اما در مورد ایران :

در ایران که در آن سیستم قضایی - سیاسی و ایدئولوژیک و مذهبی، نه تنها مدافع سرسخت زن ستیزی است که رسالت سازماندهی، رشد و گسترش سیستماتیک قرون وسطایی آن را هم بعهده دارد، اوضاع کاملاً متفاوت است! ایران جایی است که هرگونه عدالت و برقراری هرگونه ضوابط فرهنگی و اجتماعی و عدالتخواهانه مدرن و متمدنانه ای در ابتدایی ترین شکل و سطح، طی چهل سال گذشته، تنها و تنها به قدرت پایین تحمیل و اجرا شده است و از این پس هم توسط پایین تامين و علیرغم نظام حقوقی و قضایی تحمیل میشود!

در ایران کسانی که رسماً روی صندلی "عدالت" نشسته اند و همه ابزار قانونی را در دست دارند، بدون هیچ کیس شکایت شخصی، اولین کسانی هستند که باید به جرم فجیع ترین زن ستیزی در حق دهها میلیون و طی زندگی چهار نسل دختران و زنان از کودکی تا مرگ، محاکمه شوند! نه فقط از کسب و کار محروم شوند که باید به دادگاههای جرایم جنایی علیه نیمی از شهروندان جامعه طی چهل سال، کشانده شوند و جوابگویی عملکردشان باشند.

در ایران، فعالیت های آگاهگرانه در مورد حقوق انکار ناپذیر زنان و مقابله با زن ستیزی، امر حاکمیت نیست. دفاع از زنان در مقابل تعرض جنسی، چه در بعد شخصی و چه در بعد اجتماعی، چه توسط شهروندان و "شخصی" صورت بگیرد و چه توسط مکانیزم های "نرمال" و "قانونی" خود سیستم و نظام متکی به آپارتاید جنسی، امر رسمی حاکمیت نیست! امر مردم است! امر پیشروان است و به قدرت متحد و متشکل پانین طبعاً تحمیل میشود. کاری که تا به امروز انجام شده است. در ایران همه زنان و دختران چهل سال گذشته، از سنن کودکی تا مرگ شامل کیس های "می تو" هستند! کدام زنی توسط قانون و سیستم

یک روز و یک لحظه تحقیر نشده و حقوق ابتدایی ش لگدمال نشده است! تحمیل حجاب به زنان و کودکان دختر، یک تعرض و تحقیر عظیم جنسی است! انگشت های کنترل حجاب و کنترل رفتار زنان، یک تعرض شنیع جنسی است!

اما به کیس های فردی در روابط خصوصی بپردازیم، تا وقتی جمهوری اسلامی و قوانین و سیستم ارتجاعی ش، حاکم است.

در این شرایط به اعتقاد من در کیس های شخصی و فردی "می تو"، و نحوه برخورد به آنها باید با بالاترین درجه حساسیت و آگاهی نسبت به موقعیت زنان در جامعه، در خانواده و محیط کار و تحصیل و .. نسبت به تأثیرات مخرب حاکمیت رسمی و قانونی مذهب و اسلام بر زندگی آنها، بی حقوقی های قانونی، فرهنگ مردسالار و عقب گرد قرون وسطایی که به فضای زندگی چهار نسل تحمیل شده است برخورد کرد! این کار روتین و تعطیل ناپذیر پیشروان جامعه است.

"ضریب تحمل صفر" با برخورد غیرانتقامجویانه و متمدنانه به کیس های فردی، تناقضی ندارد. کار آگاهگرانه وسیع اجتماعی و در عین حال تلاش برای به حداقل رساندن امکان تعرض به زنان و فراهم کردن شرایط امن در محیط کار و زندگی، ساختن و سازمان دادن انواع انجمن ها، نهادها و موسسات ناظر و کنترل کننده در محیط های کار و زندگی، در محیط های تحصیلی و آموزشی، برای حمایت از زنان و دختران! ثبت و رسیدگی، تلفنی یا حضوری به همه شکایات، ثبت همه موارد تعرض جسمی، روحی، روانی و بیانی، تحقیر و تبعیض و .. و رسیدگی به آنها توسط نهادهای صاحب صلاحیت مردمی، وکلا و ... و ابزار های واقعی اعمال قدرت پایین برای عقب زدن تعرض جنسی به زنان است. در بهترین حالت کار شوراهای محل های کار و زندگی است! تسهیل شرایطی که رجوع زنان به این نهادها برای ثبت و رسیدگی به شکایات، حتی بعنوان ناشناس و بدون الزام اعلام هویت شاکی، به سادگی ممکن شود. دفاع از حرمت فردی زنان در کیس های شکایات و ... همه و همه موضوعیت دارد. ضمن اینکه از هیچ کیس فردی، در "کمترین سطح" نباید گذشت. با این وجود باید هر کیس فردی علاوه بر فراهم کردن شرایط امن برای زنان و دختران قربانی، ماتریال تعرض به نظام و سیستمی باشد که هم در قوانین و هم در مناسبات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، و بخصوص با حاکمیت قوانین اسلامی، زن ستیزی و نا امنی شرایط کار و زندگی زنان در سراسر ایران را مداوماً باز تولید و به پیکره جامعه تزریق می کند.

**سوال ۴-** شما در مورد حقوق متهم صحبت کردید. فرض کنیم نامجو در یک پروسه عادلانه همانطور که مد نظر شماست در دادگاهی بی طرف محکوم شناخته شود. آنوقت چه؟ آیا برخورد جامعه با چنین کیس هایی که اساساً در مورد تجاوز جنسی است و ممکن است / مسلماً زندگی اجتماعی و شخصی و یا حرفه ای فرد

قربانی را تا آخر عمر تحت شعاع قرار دهد، غیر از این باید باشد؟

**ثریا شهابی:** اگر بر مبنا فاکت و شواهد روشن، مجرم بودن متهم مسجل شده است، و دادگاه حکمی صادر کرده است! مجرم باید مسئولیت اعمال ش را بعهده بگیرد و عواقب قانونی و متناسب با جرم را بپذیرد! این عواقب طبعاً با معیار های جوامع متمدن باید نه به منظور انتقام کشی که به منظور امن نگاه داشتن جامعه و کوتاه کردن امکان تعرض های بیشتر و در عین حال فراهم کردن شرایط بازگشت مجرم به زندگی اجتماعی سالم، صورت بگیرد. تا جایی که به مجازات چنین جرم هایی بر میگردد، خوب طبعاً مراجع رسیدگی به جرم بر مبنای آن ممکن است حکم دستگیری و حبس یا قطع امکان دسترسی "محکوم" به شنوندگان و بینندگان اجتماعی را، صادر کنند! و مجرم را متناسب با جرم، برای مدت معینی یا برای همیشه از کار معینی ممنوع کند. مثلاً معلمی را از تدریس یا تماس با کودکان و .. برای مدت معینی یا برای همیشه ممنوع کنند! این تردید دارم دادگاه حکم ابد محرومیت فعالیت فرهنگی و کاری در چنین کیس هایی صادر کند!

اینکه عواقب محکومیت، تا آخر عمر "همراه مجرم خواهد ماند یا نه، بنظر من نباید بماند و نباید اجازه داد که بماند. این بستگی به نظام و سیستم قضایی دارد که هدف ش، برخلاف سیستم های مذهبی و عقب مانده عشیره ای، نه انتقام کشی که مصون داشتن جامعه از وقوع مجدد جرم و فراهم کردن شرایط اصلاح و بازگشت مجرم به جامعه است!

شما امروز در کشورهای پیشرفته در جرایم معینی، مثلاً رانندگی پس از حبس و مدتی محرومیت از رانندگی، میتوانید مجدد اجازه رانندگی پیدا کنید! یا در کیس های افرای چون تعرض جنسی به کودکان، که از شنیع ترین و مخوف ترین جرایم جنسی است، پس از سپری شدن مدت محکومیت که همراه با آموزش و مداوا و .. است، و پس از تشخیص متخصصین، میتوانید به زندگی عادی در جامعه باز گردید! اما ممکن است تا آخر عمر، از کار با کودکان و نزدیکی به آنها، ممنوع شوید! اما در جامعه و زندگی شخصی و کاری، شما هم مثل بقیه از هرگونه تعرضی مصون هستید! بر سر آدرس منزل شما و بر سینه شما برچسب "پدوفیل" و "قاتل" و "جانی" و "متجاوز" زده نمی شود! اگر غیر از این باشد، مجرم علاوه بر اینکه از امکان بازگشت به یک زندگی سالم محروم میشود که خود میتواند قربانی خشم و انتقام گیری "مردمی" قرار بگیرد که حضور "آزادانه" او در جامعه را، به هر دلیل شخصی یا فرهنگی یا مذهبی و .. نمی توانند تحمل کنند. کم نیست کیس های جنایی که مجرم پس از آزادی و پشیمانی کامل از جرمی که سالهای جوانی مرتکب شده است، در جامعه احساس امنیت کمتری کرده است تا زندان! این انسانی نیست! نوعی محکومیت ابد است! اما مخالف هرگونه محکومیت ابد و اعدام هستیم! /

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهائی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه ها، تلویزیون و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

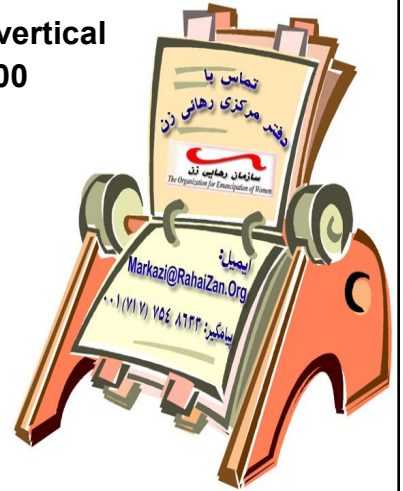
@rahaizan

تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd  
HoT BIRD  
Frequency 11541 vertical  
Symbol Rate: 22000  
Pol V  
FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهائی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [minohemati@gmail.com](mailto:minohemati@gmail.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: [shararehzaei.p@gmail.com](mailto:shararehzaei.p@gmail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)